

عنوان مقاله:

فهم نقشه سیاسی از منظر قدرت/ دانش

محل انتشار:

پژوهش های جغرافیای انسانی، دوره 49، شماره 1 (سال: 1396)

تعداد صفحات اصل مقاله: 18

نویسندگان:

مرجان بدیعی ازندهای - استادیار گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران

رسول افضلی - دانشیار گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران

علی امیری - استادیار گروه علوم جغرافیایی، دانشگاه لرستان

خلاصه مقاله:

شناخت و فهم ماهیت و معنای بسیاری از پدیده ها، نیازمند گذر از معنای ظاهری و غور در اعماق معنایی آن هاست تا شناخت و درک انسان از آن ها تکمیل شود و به شناخت واقعی تری از آن ها نزدیک شود. یکی از روش های شناخت، استفاده از روش های فرا اثبات گرایانه است. امروزه یکی از روش های درک و فهم امور و پدیده ها، استفاده از رویکرد «قدرت/ دانش» است که میشل فوکو، اندیشمند فرانسوی، متفکر مطرح در این حوزه شناخته می شود. وی رابطه قدرت و دانش و تاثیرات دوجانبه آن ها را در ارتباط با پدیده ها و مفاهیم واکاوی می کند. «نقشه» از پدیده هایی است که شناخت واقعی آن به درک عناصر و عوامل بسیاری نیاز دارد. در نگاه نخست، نقشه به عنوان یک پدیده، بخشی از یک حوزه جغرافیایی یا کل کره زمین را ترسیم می کند، اما این تمام معنای نقشه نیست و با واقعیت فاصله دارد. در نتیجه، در این پژوهش برای نخستین بار از دریچه «قدرت/ دانش» با تاکید بر آرای فوکو، به معنای نقشه نگاه می شود و رابطه قدرت و نقشه با «روش شناسی کیفی» بررسی می شود. نتایج این تحقیق نشان می دهد نقشه، نه تنها ابزار حکومت برای اعمال قدرت و سلطه است، بلکه به عنوان «بازوی قدرت» به «القا» و «اعمال» قدرت کمک می کند. نقشه در چرخه تولید قدرت قرار می گیرد و به همان صورتی که خود تولید و ساخته قدرت است، در بازسازی و تصویرسازی نظام فکری، قدرت تولید واقعیت دارد و فرد به سهولت اطلاعات مندرج در آن را به عنوان واقعیت های بازنمایی شده باور می کند.

کلمات کلیدی:

دانش، قدرت، کارتوگرافی، میشل فوکو، نقشه

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1534104>

